

جبروت کعبه



از پله‌های برقی مسجدالحرام داریم آرام آرام پایین می‌رویم. مدیر کاروان می‌گوید سرتان را پایین نگه دارید و فقط زمین را نگاه کنید.

از پله‌های برقی مسجدالحرام داریم آرام آرام پایین می‌رویم. مدیر کاروان می‌گوید سرتان را پایین نگه دارید و فقط زمین را نگاه کنید. با راهنمایی او وارد صحن مسجد می‌شویم. آهسته آهسته گام برمی‌داریم.

سنگ‌های سفید صحن مسجدالحرام به ما خیره شده‌اند ما هم به آنها. حال عجیبی است. این که قرار است برای نخستین بار خانه خدا را از نزدیک ببینی. جمعیت زیادی در حال طوافند. صدای الله‌اکبر و سبحان‌الله همه بیت‌الله را پرکرده است. حواسمان به هیچ جا نیست. سرها پایین است و فقط سنگ‌های سفید بیت‌الله الحرام را نگاه می‌کنیم. مدیر کاروان که هم باتجربه است و هم با ذوق می‌گوید همه با هم سجده کنید و هرچه خواستید از خدای متعال درخواست کنید. کسانی را به یاد آورید که به شما التماس دعا گفته‌اند و ادامه می‌دهد حتما خداوند با شما کار مهمی داشته که شما را به خانه‌اش دعوت کرده است. بر سنگ‌های سفید مسجدالحرام سجده می‌کنیم. بغض گلوئی همه را می‌گیرد. همه بی‌اختیار گریه می‌کنند. اسم و چهره همه کسانی که به تو التماس دعا گفته بودند از مقابل عبور می‌کند. نیازی نیست به مغزت فشار بیاوری. یک نیروی عجیب، نام و چهره همه آنها را به تو یاد آوری می‌کند... مدیر کاروان می‌گوید حالا سر از سجده بردارید.

سر از سجده بر می‌داریم. الله‌اکبر. کعبه مقابل ماست... چه شکوهی؛ چه جلالتی؛ چه جبروتی... این همان خانه‌ای است که ابراهیم خلیل بنا کرده است. این همان خانه‌ای است که خداوند آن را در مقابل حمله سپاه ابرهه نجات داد. همان خانه‌ای که شکاف برداشت تا فاطمه بنت اسد وارد آن شود و علی را به دنیا بیاورد.

این همان خانه‌ای است که رسول خدا وارد آن شد و هبل‌های زر و زور و تزویر را در هم شکست. بالای کعبه را نگاه می‌کنی انگار بلال ایستاده و دارد اذان می‌گوید... تو جایی آمده‌ای که محل نزول قرآن است. در فضایی نفس می‌کشی که محل پرواز فرشته‌هاست.

کعبه با شکوه است و ساده. مثل پیری که خرقة‌ای سیاه بر دوش انداخته باشد مقابلت ایستاده. صبور و صمیمی. مانده‌ای چه به او بگویی. احساس می‌کنی زبانت بند آمده است. برای همه کسانی که به تو التماس دعا گفته‌اند دعای می‌کنی و اشک می‌ریزی.

خدایا تو با آن همه بزرگی‌ات چه خانه کوچکی داری! من کسانی را می‌شناسم که با همه کوچکی‌شان خانه‌هایی بزرگتر از تو دارند. کعبه با همه شکوهش ساده است. کعبه مثل یک میدان مغناطیسی قوی انسان‌ها را چونان براده‌هایی ناچیز از همه جهان به خود جذب کرده... همه در حال طواف‌اند. چه موجی چه دریایی چه شکوهی چه آرامشی. پاهایت می‌لرزد و نای راه رفتن نداری. آرام آرام با گروه همصدا می‌شوی. الله‌اکبر... الله‌اکبر... لاله‌الله...